

به نام خدا

معماران کیفیت و کیفیت معماران

"نگاهی انتقادی به کیفیت اخلاقی و حرفه ای جامعه معماری ایران"

نگارنده: محسن کفایی (کارشناس ارشد معماری، استاد مدعو دانشگاه)

کیفیت واژه ای پر کاربرد است که در بسیاری از بخش های زندگی انسان به طور عمومی و روزمره و در حوزه های مختلف علمی، صنعتی، تجاری، هنری و غیره به طور تخصصی به کار برده میشود. واژه ای که به طور معمول برای بیان درجه مرغوب یک شی، محصول یا پدیده مورد استفاده قرار میگیرد. لباس با کیفیت، غذای با کیفیت، خودرو با کیفیت، زندگی با کیفیت، فوتبال با کیفیت و غیره. در توصیف معنای واژه کیفیت در لغت نامه عمید این گونه آمده است: "صفت، حالت و چگونگی کسی یا چیزی، میزان مرغوب بودن، مست کننده بودن، لذت." استفاده از این واژه گاه همدریف و مترادف با ویژگی های کالبدی و فیزیکی یک شی در نظر گرفته می شود مانند جنس، دوام، میزان مقاومت، ظرافت و غیره و گاه بیان کننده ویژگی های غیر فیزیکی و غیر کالبدی یک پدیده است که در این حالت واژه ای سهل ممتنع است، چون با آنکه مفهوم آن برای همگان قابل ادراک است اما هر فرد از دیدی متفاوت و از زاویه نگاه خود آن را معنا میکند. استنباط غیر فیزیکی از عبارت کیفیت که بیشتر با مفاهیم ادراکی، انتزاعی و غیر شهودی در ارتباط است دارای پهنه وسیع و گسترده معنایی است و برای بیان و توصیف آن از کلمات و تعبیری استفاده میشود که با آنکه مترادف و هم معنای کیفیت نیستند اما میتوانند به خوبی توصیف گر آن باشند مانند راحتی، زیبایی، شادی، نرمی، رهایی، خیال انگیز و غیره.

کیفیت نقش مهم و تاثیر گذاری در زندگی انسان ایفا می نماید و میتواند موجب تغییرات اساسی در بخش های مختلف زندگی هر فرد گردد، تا جایی که تمامی فعالیت های انسان به نوعی با این واژه عجین و گره خورده است. (کیفیت غذا، کیفیت آموزش، کیفیت زندگی، کیفیت خوابیدن و غیره). پدید آمدن و شکل گرفتن شاخه ها و تخصص های متفاوت و گوناگونی مانند مدیریت کیفیت، مهندسی کیفیت، استاندار کیفیت برای تائید یا عدم تائید یک محصول، روش و رویه، مکان، کار و حتی رفتار نشان از نقش و اهمیت آن در عصر حاضر دارد.

یکی از حوزه هایی که مفهوم و کلید واژه کیفیت به طور مکرر مورد استفاده قرار میگیرد و نقش موثر و تعیین کننده ای در آن ایفا میکند معماری است. کیفیت کلید واژه ای است که به فضا به عنوان عنصر و ماده خام شکل دهنده معماری اعتبار و غنا می بخشد. این که معماری یا فضایی را با کیفیت بنامیم در حقیقت به آن اعتباری بخشیده ایم که خارج از حدود اعداد و کمیات است و همان مفهومی است که هر معماری دارای ارزش، بخشی از آن را در خود جای داده و واجد آن است. آنکه عوامل کالبدی و فیزیکی، هندسه، تناسبات، مواد و مصالح و غیره در ایجاد و خلق کیفیت یک بنا نقش دارند امری واضح و مبرهن است، اما قطعاً منظور از کیفیت یک فضا به این عوامل محدود نمی شوند و چیزی فراتر از تناسبات و عوامل کالبدی یک فضای معماری است و شاید این همان عاملی است که کریستوفر الکساندر (Christopher Alexander) را از بیان واژه یا مفهومی برای توصیف آن ناتوان ساخته و آن را با عنوان "کیفیت بی نام" معرفی میکند. در حقیقت الکساندر گر چه عوامل فیزیکی و کالبدی را در ایجاد و شکل گیری کیفیت فضاهای معماری موثر و لازم میدانند، اما آن را شرط کافی ندانسته و از این جهت به عوامل فرا کالبدی اشاره میکند و در راستای توصیف این کیفیت دست به دامان مفاهیم و واژگانی همچون آزاد، راحت، کامل، غیر نفسانی، جاودانه، زنده و غیره میشود.

در حقیقت زمانی که فضا یا معماری را دارای کیفیت می نامیم معتقدیم آن معماری یا فضا دارای حالت و چگونگی مطلوب و مرغوبی است که می تواند بر انسان به طور موثر تاثیر گذاشته، تجربه بدیعی را در اختیار او قرار دهد و به انسان وجد و نشاط بخشد و به طور ساده بتواند حال انسان را خوب کند. به نظر می رسد معنایی که معماران از واژه کیفیت برای معماری در نظر دارند بیشتر به جنبه های غیر فیزیکی یک بنا یا فضای معماری اشاره دارد تا ابعاد فیزیکی آن و لذا بیشتر با عبارات و مفاهیم توصیفی، ذهنی و انتزاعی بیان میگردد. بنابراین در وصف و چگونگی کیفیت یک فضا از حالات و صفاتی انسانی که بیش از هر چیز مرتبط با روح، روان و ابعاد فرا کالبدی و متافیزیکی وجود انسان است استفاده میشود تا بهتر بتوان به بیان ویژگی ها و حس و حال آن فضا پردازیم. دنج، لذت بخش، گیج کننده، دلهره آور، مسحور و مست کننده، بی روح، روحانی و معنوی، خیال انگیز، وهم انگیز، لا مکان و لازمان، خالص، آشفته، بی کران و متعالی واژگان و صفاتی هستند که در توصیف کیفیت و چگونگی یک فضا یا معماری مورد استفاده قرار میگیرد.

کیفیت یک اثر معماری میتواند در سطوح و به اشکال و تعابیر مختلف خود را تجلی بخشد. طراحی فرمی بدیع و زیبا، کیفیت ساخت و جزئیات اجرایی، ایجاد کیفیت مطلوب برای زندگی، غنا و پتانسیل فضایی، انسان و تعامل محور بودن فضا، همه و همه میتواند از مصادیق مد نظر معماران برای ایجاد کیفیت مطلوب در معماری باشد. در حقیقت معماران با نگرش خاص خود نسبت به انسان، معماری و فضا سعی میکنند تا در بناها و ساختمان ها کیفیت مورد نظر خود را متجلی سازند. معماران با دیدگاه ها و سلاقی مختلف و با وجود تمام اختلاف نظر ها، همگی بر لزوم وجود کیفیت (از نگاه خود) در آثار معماری تاکید نموده و شاید این یکی از معدود نقاط اشتراک معماران است.

بر این اساس استنباط میشود که معماران همواره سعی میکنند در آثار خود به نوعی کیفیت مدنظر خود را خلق نمایند. آنچه که معماران به آن عقیده دارند و مدعی آن هستند آن است که به خوبی میتوانند فضا را به عنوان عنصر و ماده خام شکل دهنده معماری به شکلی مطلوب سازمان دهی و برنامه ریزی کرده و آن را در قالب معماری با کیفیت در اختیار مخاطبان و کاربران قرار دهند، کیفیتی که میتواند به رفتار کاربران شکل مطلوبتری داده و یا رفتار های متفاوتی خلق نماید. کیفیتی که میتواند یک بالکن یا تراس کوچک را به فضای استراحت خاطره بر انگیز برای کارمندان یک دفتر کار تبدیل کند و یا پنجره ای که میتواند چشم اندازی متفاوت و استثنایی را به دیدگان مخاطب خود هدیه کند و یا حتی فرمی بدیع که میتواند کیفیت بصری یک خیابان را ارتقا دهد و یا فضای روحانی که میتواند برای دقایقی انسان را از عالم مادیات جدا سازد. زمانی که لویی کان (Louis Kahn) معماری را تبدیل امری بی کران به امری کران مند و تبدیل مجدد آن به امری بی کران معرفی مینماید در حقیقت از کیفیت، حالت و چگونگی در معماری سخن میگوید که بعد زمانی و مکانی را در نوردیده و پافراتر از کالبد جسمانی معماری می نهد و این را میتوان به مثابه غایت کیفیت در معماری در نظر گرفت. کیفیت و حالتی که در برخی از آثار شاخص معماری ایران و جهان میتوان آن را به خوبی ادراک نمود.

بر اساس آنچه که بیان شد استنباط میشود که هدف غایی معماران از تمامی این تلاش ها و ایجاد کیفیت های مطلوب در فضا و معماری، تاثیر گذاری بر انسان، تغییر در سبک زندگی مردم، بهبود و یا ایجاد رفتار های جدید و شکلگیری محیطی مناسب تر برای زندگی انسان است. معماران میکوشند با روشها و تکنیک های مختلف معماری و مصالحی که در اختیار دارند فضای معماری طراحی و اجرا کنند تا فرصت تجربه متفاوت و مطلوبتری از زندگی را به انسان ارائه کند، موجب ایجاد تعاملات و ارتباطات فعال و موثر شود و بتواند حس و حال خوبی را به کاربر فضا منتقل کند.

حال سوال اساسی که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که معمارانی که قادر به خلق کیفیات مطلوب در قالب معماری هستند خود تا چه میزان واجد این کیفیات در عمل و رفتار خود هستند؟ معمارانی که هدف از خلق فضا را کمک به ایجاد محیط های انسان محور، ایجاد تعاملات انسانی و شکل دهی مطلوبتر به رفتار انسان میدانند آیا تنها با ابزار فضا و معماری قادر به خلق این کیفیات هستند و یا خود نیز میتوانند با رفتار و در عمل این ویژگی ها را بروز و ظهور دهند؟ جایگاه واژگان و مفاهیمی مانند انسان گرا، تعامل محور، کیفیت انسانی، حریم و غیره که در ادبیات معماران جایگاه ارزشمند و ویژه ای دارند در عمل، اخلاق و رفتار آنها از چه جایگاهی برخوردار است؟ معماران در جایگاه ها و مسئولیت های دانشگاهی، اجتماعی و حرفه ای مختلفی که به عهدهی دارند تا چه میزان توانسته اند تجلی عملی کیفیات مطلوب رفتاری باشند، و نقش موثری در ارتقاء کیفیت حوزه های مسئولیت خود ایفا نمایند؟

در راستای پاسخگویی به این سوال لازم است تا به جز طرح ها و ساختمان های طراحی شده توسط معماران، قلمرو و حوزه های فعالیت های اجتماعی و حرفه ای معماران را مورد رصد و کنکاش قرار دهیم تا دریابیم که معماران تا چه حد توانسته اند تناسبات، کیفیت ها و دیالگ های مدنظر رفتاری را به طور عملی در اخلاق و رفتار خود و در ارتباط با دیگران به منصفه ظهور بگذارند؟ همایش ها، ورک شاپ ها، سمینارها و آتلیه های معماری مملو از بحث و گفتگوهای مختلف در مورد شیوه ها و راهکارهای خلق فضاهای انسان محور، تعامل محور و مشارکت محور است اما به حقیقت خود معماران تا چه حد در عمل در راستای این امر گام بر میدارند؟

به ساختار همایش ها و کارگاه های آموزشی دقت کنید، جواب سوال همانجاست. این همایش ها، سخنرانی ها و کارگاه های آموزشی که در بیشتر موارد مسئولیت اجرایی تمام بخش های آن به عهده معماران است تا چه حد حرفه ای، ساختار مند و دقیق برنامه ریزی شده و برگزار میشوند؟ چه چیز در اولویت دست اند کاران، اساتید و برگزار کنندگان آن قرار دارد، کیفیت آموزشی یا کمیت مالی؟ تاریخ شروع و اتمام برنامه ها تا چه میزان مطابق برنامه اعلام شده است؟ کیفیت سخنرانی و مباحث ارائه شده در کارگاه تا چه میزان برای شرکت کنندگان به روز و مفید است؟ سخنران یا مدرس تا چه میزان کار پژوهشی پیرامون آن کارگاه یا سخنرانی انجام داده است؟ چه میزان از داده ها و اطلاعات بیان شده تنها کپی برداری از همایش ها، کارگاه های آموزشی و رویدادهای این چنینی است که در سایر نقاط جهان انجام شده و ما امروز با نام خود ارائه دهنده آن هستیم؟ ترتیب سخنرانی و حتی ترتیب اسامی بر روی بروشور و پوستر های همایش تا چه میزان برایمان مهم است؟ تا چه میزان پذیرای نقد حضار و شنوندگان هستیم و میتوانیم در کنار کسی که مخالف آراء و نظرات ما است بنشینیم، نظرات او را بشنویم و اگر نقد او صحیح است آن را بپذیریم؟

در مسابقات معماری نیز اوضاع بر همین منوال است. داوران در ابتدا مشخص نیستند و یا تغییر میکنند، برنامه ریزی مسابقه بارها و بارها در تمامی بخش ها دستخوش تغییر میگردد، معیار و ملاک داوری و قضاوت انجام شده در طرح های برگزیده مغایر با خواسته های بیان شده در دستورالعمل مسابقه است، طرحی شایسته رتبه اول، دوم یا سوم شناخته نمیشود و یا جوایز مسابقه به طور کامل پرداخت نمیکردد، در انتها به شکایات و اعتراضات صورت گرفته ترتیب اثری داده نمیشود و نتیجه همه اینها سر خوردگی و ناامیدی تعداد زیادی دانشجو یا معمار جوان علاقه مند است که با انگیزه زیاد چندین ماه زمان صرف کرده اند تا لااقل شاهد شکل گیری یک رقابت سالم و استاندارد باشند غافل از آنکه به قول سهراب سپهری "پشت دریا شهری است....".

در دفاتر و شرکت های معماری چه میگذرد؟ تا چه میزان اخلاق حرفه ای و حقوق مادی و معنوی افراد در دفاتر معماری رعایت میگردد؟ چرا افراد کاملا متخصص در حوزه های مختلف طراحی، نرم افزار، گرافیک، اجرایی و غیره را تنها به عنوان کار آموز در دفاتر به کار میگیریم؟ چه معیارها و ضوابط اخلاقی و حرفه ای را در برخورد با افراد مختلف مدنظر قرار میدهیم؟ اگر معیار و ملاکمان معمار و معماری اسلامی است و الگویمان افرادی همچون استاد محمدرضا اصفهانی است که خود را "فقیر حقیر محتاج به رحمت خدا" معرفی میکند پس چرا باید بر سر اول یا دوم بودن نام افراد در یک پروژه کوچک معماری اختلافی باشد و یا چرا در پروژه ای نام برخی از افراد که در روند پروژه نقش مهم و تاثیر گذاری داشته اند با بی عدالتی حذف میگردد؟ کدام بخش از رفتار و عمل مان با اصول و ارزش های اسلامی مطابقت دارد؟ نکند سرنخ را گم کرده ایم و به دنبال راهکارهای معماری اسلامی در همایش ها، سخنرانی ها و نشست های مختلف معماری میگردیم در حالی که ابتدا باید آن را در رفتار، عمل و درون خودمان جستجو کنیم. اما اگر معیارمان معماران مطرح جهانی هستند که در جزئی ترین موارد مانند طرز لباس پوشیدن، صحبت کردن تا روش طراحی، ارائه طرح و اجرا مورد الگو برداری قرار میگیرند بهتر است سری به دفاتر و شرکت های آنها بزنیم و ببینیم چه معیار و ملاک های رفتاری و اخلاقی، سلسله مراتب حقوقی و حرفه ای بر آن حاکم است. شاید معماران وطنی ترجیح میدهند در این بخش معماران مورد علاقه خود را الگو قرار نداده و دست به خلاقیت بزنند و نحوه برخورد با افراد و معیار و ملاک های حرفه ای و حقوقی را در دفاتر و شرکت های خود تغییر داده و آن را بومی سازی کنند.

تا چه میزان این رفتارها مطابق با کیفیت و حقیقتی است که معماران در فضای معماری به دنبال آن هستند؟ تا چه میزان مطابق معیارها و میزان های اخلاقی است؟ تا چه میزان مطابق گفته ها و نوشته ها، دیاگرام های رفتاری، رندها و اسکیس هایی است که معماران در توصیف فضاها، روابط انسانی و معماری انسان محور ارائه میکنند؟ فضا و اتمسفر رفتاری ایجاد شده توسط معماران تا چه میزان به فیگور های جذاب، خوشحال، صمیمی و در حال تعامل، که در رندها تولید شده در دفاتر حرفه ای معماری به کرات از آنها استفاده میشود نزدیک است؟

شاید نقطه شروع تمامی این مواد را باید در دانشگاه و دانشکده های معماری جست و جو کنیم، محلی که دانشجویان با اصول آکادمیک و حرفه ای معماری آشنا میشوند. اما به راستی در دانشکده های معماری چه میگذرد؟ اساتید معماری تا چه میزان نسبت به تئوری های جدید معماری، شیوه ها و روش های طراحی و تکنولوژی های نوین ساختمانی آگاه هستند؟ تمرینات و پروژه های تعریف شده در آتلیه های طراحی تا چه میزان بروز شده، مفید و هدفمند هستند؟ آتلیه های معماری تا چه میزان به صورت باز اداره میشوند و پذیرای در معرض قرار گرفتن تفکر و نقد دیگران است؟ ظاهرا دانشجویان از همانجا با نظریه نسبیست ایشیتین و اصل عدم قطعیت هایزنبرگ در فیزیک به صورت عملی آشنا شده و می آموزند که زمان امری نسبی است و تاریخ شروع و پایان آتلیه طراحی و یا تحویل پروژه تنها یک تاریخ فرضی و غیر قطعی است که از زمانی به زمان دیگر منتقل میگردد. دانشجویان در دانشگاه و از اساتید معمار خود می آموزند که این امکان وجود دارد که به راحتی از ثمره تلاش دیگران در قالب مقاله، طرح و پروژه تحقیقاتی به نام خود بهره مند شد. از اساتید خود می آموزند که میتوان مسئولیت یک پروژه را (پایان نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری) حتی بدون داشتن تخصص لازم در آن حوزه پذیرفت و پس از اطمینان از کسب منافع مادی، از خود رفع مسئولیت کرده و تمامی بار آن را به عهده دانشجو گذاشت؟ به راستی شاید خشت اول در دانشکده های معماری کج گذاشته میشود که دیوار اخلاق مداری و مسئولیت شناسی تا ثریا کج می رود.

رسانه های مکتوب و غیر مکتوب در حوزه معماری که در اختیار معماران است تا چه اندازه جریان ساز، هدفمند و واجد کیفیات مطلوب هستند؟ این رسانه ها به چه صورت برنامه ریزی میشوند و تا چه حد بر افکار عمومی و متخصصین حوزه معماری تاثیر گذارانند؟ آیا رسانه های معماری دارای رسالت و خط مشی مشخص و تعیین شده ای هستند و اگر چنین است تا چه میزان اهداف تعیین شده را در بلند مدت دنبال کرده و آن را عملیاتی میسازند؟ عدم انتشار منظم مجلات تخصصی معماری، برخورد تیمی و سلیقه ای داشتن در این نشریات، استفاده ابزاری و تبلیغاتی برای اهداف و مقاصد خاص، عدم وجود نوآوری و خلاقیت لازم در ارائه مطالب تنها بخشی از اتفاقات جاری در حوزه رسانه های مکتوب معماری است. در حوزه رسانه های مجازی نیز با رجوع به صفحات شخصی معماران و یا صفحات دفاتر آنها در می یابیم که استفاده از این رسانه در برخی از موارد تنها برای تداوم حضور سمبلیک، نقد غیر علمی و یکطرفه، شکوائیه و جوابیه های طعنه آمیز به دیگران بار گذاری میگردد و کمتر اثری از ایده ای مشخص، برنامه ریزی شده و طراحی هدفمند برای این فضا که به ظاهر مجازی است و در واقع کاملاً حقیقی است توسط معماران و طراحان فضا وجود دارد.

آنچه که بیان شد تنها ارائه سیمایی کلی از جامعه معماری کشور در برخی از بخش ها است که معماران در آن نقش اساسی داشته و دارای مسئولیت هستند. با نگاهی اجمالی به فضای معماری کشور میتوان این واقعیت را دید که جامعه معماری در بسیاری از ابعاد نتوانسته فضای آموزشی و حرفه ای را به گونه ای مدیریت، ساماندهی و طراحی کند تا واجد کیفیت ها و هنجارهای مطلوب اخلاقی، حرفه ای و روابط صحیح انسانی باشد. حال سوال اساسی آن است که علت وجود این حجم از نابسامانی، ناهنجاری و عدم وجود کیفیت اخلاقی و رفتاری در جامعه معماری چیست؟ معماران چه نقشی در این نابسامانی ها دارند؟ بی اخلاقی، غیر حرفه ای عمل کردن و عدم وجود کیفیت در مسابقات معماری، همایش ها و کارگاه های آموزشی، آتلیه های معماری و غیره اگر بر عهده معماران نیست بر عهده چه کسی است؟ شرکت کنندگان، برنامه ریزان، هماهنگ کننده گان و در مجموع بسیاری از عوامل اجرایی این رویدادها در اکثر موارد خود معماران هستند، پس چرا اثری از آن کیفیت مد نظر معماران در این حوزه ها وجود ندارد؟ معمارانی که در طراحی بناها در پی فضاهای انسان محور، تعاملی و با کیفیت هستند چرا در عمل و در رفتار نمیتوانند خود شکل دهنده این کیفیات باشند؟

از معماران به عنوان افراد متخصصی که توانایی شناخت و درک صحیح روابط انسانی به اشکال مختلف را داشته و قادرند فضا را به عنوان بستری برای زندگی به گونه ای برنامه ریزی و شکل دهند تا بتوان در راستای دست یابی به روابط پایدار و مطلوب انسانی از آن بهره جست، انتظار میرود که در مسئولیت های اجتماعی، آموزشی و حرفه ای که به عهده دارند بتوانند در عمل تجلی آن چیزی باشند که در گفته هایشان مکرر آن را باز گو میکنند و متمنی آن در فضای معماری هستند.

بررسی و ریشه یابی علل و عوامل وجود چنین پدیده هایی در جامعه معماری نیازمند انجام تحقیق و پژوهش های دقیق، تخصصی و مفصلی است که توسط متخصصین حوزه معماری، روانشناسی، جامعه شناسی و غیره صورت پذیرد. به طور قطع ارائه دلایل غیر کارشناسی، عجولانه و احساسی پیرامون این موضوع و در این مجال با دغدغه اصلی این مقاله که در باب وجود کیفیت است در تناقض خواهد بود. بنابراین آنچه در این نوشتار در پی آن هستیم ارائه حکمی قطعی و حتمی پیرامون علل و عوامل این پدیده و یا متهم نمودن فرد یا گروه یا جریان خاصی از جامعه معماری نیست، که اگر چنین باشد خواسته یا ناخواسته خود به ورطه بی اخلاقی گرفتار خواهیم آمد. آنچه در این مجال در پی آن هستیم برداشتن نقاب و روبرو شدن با بخشی از واقعیت های جامعه معماری است. معماران به واسطه نوع نگاه تیزبین و جستجوگر خود بهتر میتوانند پدیده ها، چالش ها و مشکلات را ببینند، درک کنند، مورد واکاوی

قرار دهند و برای آن راهکار ارائه نمایند. در حقیقت معماران همچون سنسورهای جامعه نسبت به نشانه‌ها، واکنش‌ها و رفتارها حساس تر اند و شاید این انتظار خلاف واقع و دور از ذهنی نباشد که معماران پیش از هر چیز خود را ببینند، مورد واکاوی قرار دهند و از خود آغاز کنند. بنابراین هدف از نگارش این نوشتار نقد خود است، تلنگری است تا خود را به عنوان بخشی از جامعه حرفه‌ای معماری دوباره ببینیم و دریابیم کیفیت رفتاری و اخلاقیمان تا چه حد مطابق گفته‌هایمان، اسکیس‌ها، دیاگرام‌های رفتاری و کیفیت‌های فضاهای معماری است که به آن باور داریم و در پی آن هستیم؟

شایسته است معماران که دغدغه ساخت فضاهای با کیفیت، انسان‌محور و تعاملی را دارند به صورت عملی و در رفتار، خود به آن پایبند باشند. به جای آنکه تنها فضا را بهانه و واسطه‌ای برای ایجاد کنش‌های مطلوب و موثر اجتماعی قرار داده و بستری برای تعاملات غنی و فعال اجتماعی در نظر بگیرند، خود کنشگر فعال در این زمینه باشند و این مهم را نه در گفتار که در عمل و رفتار خود نیز تجلی بخشند که دو صد گفته چون نیم کردار نیست. برای دستیابی به این مهم، پیش از هر چیز لازم است تا بپذیریم که در بسیاری از بخش‌ها نتوانسته‌ایم تجلی عملی گفته‌هایمان باشیم که این اولین قدم شاید مهمترین آن‌هاست. لازم است این بار تجزیه و تحلیل را از خودمان و درونمان آغاز کنیم، عناوین، اسامی، القاب و تعارفات را کنار بگذاریم و صادقانه افکار، نیات و عملمان را در آئینه درونمان خوب بنگریم و دریابیم خود حقیقی‌مان تا چه حد به خود ساخته شده به دست خودمان و دیگران شبیه است؟ نکنند خود حقیقی‌مان را در میان عناوین و القاب، لابلای صفحات مجلات، میان جوایز معماری و یا هیاهوی صفحات مجازی گم کرده باشیم؟ دریابیم کیفیت اخلاق و رفتارمان تا چه حد به کیفیت معماری و طرح‌هایمان نزدیک است؟ شایسته است نقاط ضعف و قوتمان را باز ببینیم، بسیاری از عبارات و مفاهیمی که تبدیل به کلیدواژه‌های گفتاری رایجمان در حوزه معماری هستند را دوباره هجی کنیم و مورد بازخوانی قرار دهیم و باورهایمان را الکی کنیم تا ببینیم کدام یک از غربال عمل عبور میکند و کدام تنها در صفحه کلام و بیانمان ته نشین میشود. عمل و کلاممان را همخوان کنیم و این بار معمار خودمان باشیم و طراحی و بازسازی را از خودمان، اندیشه‌هایمان و باورمان آغاز نمائیم. دوباره بیاندیشیم و این بار نه تنها در بناها و فضاهای معماری، که در خودمان، رفتار و گفتارمان در پی کیفیت باشیم و اگر آن را به قدر مطلوب نیافتیم طرحی نو در اندازیم.

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست
عالمی دیگر نباید ساخت و از نو آدمی